

نقش مهاجران در توسعه تجارت و انتقال فناوری



تهران ۱۴۰۰





سفیران تجارت و انتقال فناوری: نقش مهاجران در انتقال فناوری بین کشورها و توسعه تجارت جهانی



چکیده مدیریتی

مقدمه

در دنیای امروز مهاجران نقش روزافزونی در توسعه کشورها ایفا می‌کنند و مسائل مهاجران یکی از محوری‌ترین مسائل جهانی است بگونه‌ای که امروزه رشته‌ای با عنوان «مطالعات مهاجرت» نیز به رشته‌های دانشگاهی افزوده شده است. آمارهای موجود نیز حکایت از همین اهمیت روزافزون دارند. طبق گزارش «سازمان بین‌المللی مهاجرت» (IOM) در حالی که مهاجران ۳ درصد (معادل ۲۷۲ میلیون نفر) از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، سهمی ۹ درصدی از یک تولید ناخالص داخلی جهان (GDP) دارند. امروزه نقش مهاجران به قدری پررنگ شده است که بدون تردید یکی از عوامل رشد و توسعه کشورها بشمار می‌روند و همین مساله باعث شده است که در «مطالعات توسعه» نیز نقش مهاجران بسیار مورد توجه قرار گیرد. شاهد دیگر اهمیت مهاجران در جهان امروز، سیاست‌هایی است که بطور ویژه توسط دولت‌ها برای مهاجران طراحی می‌شود. بسیاری از کشورها، بویژه کشورهای درحالت توسعه، سیاست‌هایی خاص مهاجران داخل کشور خود و همچنین دیاسپورای خود (جوامع ساکن خارج از کشور یک ملت) طراحی می‌کنند. قوانین مهاجرت و سیاست‌های دیاسپورایی نمود این توجه کشورهاست.

ایران دهه‌هاست که میزبان جمعیت بزرگی از مهاجران بوده است و تعداد مهاجران حاضر در ایران تا بیش از ۳ میلیون نفر نیز تخمین زده شده است. با این حال نگاهی به وضعیت مهاجران بخوبی نشان می‌دهد که مهاجران نقش و جایگاه قابل‌اعتنایی در عرصه‌های مختلف در مقایسه با شهروندان ایرانی ندارند. از سویی نگاهی به قوانین و سیاست‌های کشور در قبال مهاجران نیز نشان‌دهنده غفلت و یا بی‌توجهی سیاست‌گذاران ایرانی نسبت به ظرفیت مهاجران دارد. همین مساله موجب شده است که از سویی مهاجران نتوانند جایگاهی متناسب با شهروندان ایرانی پیدا کنند و زیستی تبعیض‌آمیز در ایران داشته باشند و از سویی ظرفیت این افراد نیز بلااستفاده مانده و ایران نتواند از نقش مثبت آن در توسعه ملی بهره‌بردار.

آن‌سوی مرزها، ایرانیانی در کشورهای مختلف حضور دارند که جمعیت آن‌ها تا بیش از ۴ میلیون نفر نیز تخمین زده شده است. همانطور که می‌دانیم و داده‌ها و پژوهش‌های مختلف نیز نشان داده است، این جمعیت نسبت به سایر دیاسپوراها، جمعیتی با تحصیلات بالا، سرمایه قابل‌توجه و تعداد پرشمار نخبگان بشمار می‌رود. با این حال نقش‌آفرینی این افراد در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور بسیار کم‌رنگ است. همچون مهاجران داخل کشور، سیاست‌گذاران در دهه‌های اخیر چندان تلاش موفقی برای جذب و جلب توجه ایرانیان خارج نداشته‌اند و به‌نوعی می‌توان گفت از ظرفیت‌های این جمعیت غافل بوده‌اند. در حالی که بسیاری از کشورها در سال‌های اخیر سیاست‌های ویژه دیاسپورایی تدوین کرده‌اند و شاهد این مدعا

مطالعاتی موردی است که در ادامه مشاهده خواهیم کرد. مروری بر تجربه ایران نشان می‌دهد سیاست ویژه‌ای برای این جمعیت وجود ندارد. بنابراین همچون مهاجران داخل کشور، ظرفیت دیاسپورایای ایرانی در توسعه ایران بلااستفاده مانده است.

با در نظر داشتن مقدمه فوق، آنچه پیش‌رو دارید گزارشی کوتاه از پژوهش «سفیران تجارت و انتقال فناوری: نقش مهاجران در انتقال فناوری بین کشورها و توسعه تجارت جهانی» است. همانطور که اشاره شد مهاجران در عرصه‌های مختلفی می‌توانند نقشی سازنده در توسعه کشورها ایفا کنند و ما در این پروژه بر دو عرصه «انتقال فناوری» و «توسعه تجارت» متمرکز شده‌ایم. لازم به ذکر است بنا به ویژگی‌ها و ماهیت مهاجران داخل کشور و دیاسپورای ایرانی، ما در عرصه توسعه تجارت بر نقش‌آفرینی مهاجران داخل کشور و در عرصه فناوری بر نقش‌آفرینی ایرانیان خارج از کشور توجه ویژه‌تری داشته‌ایم. در این گزارش تلاش بر این است که به سوالات زیر پاسخ داده شود: مهاجران از چه کانال‌هایی در زمینه توسعه تجارت و انتقال فناوری نقش‌آفرینی می‌کنند؟ تجربه کشورهای منتخب (چین، هند و ترکیه) در سیاست‌گذاری مهاجرت و بهره‌گیری از مهاجران در توسعه تجارت و انتقال فناوری چه بوده است؟ موانع فعال شدن ظرفیت مهاجران داخل کشور و ایرانیان خارج کشور در زمینه توسعه تجارت و انتقال فناوری ایران کدامند؟ و با توجه مشکلات احصا شده، چه پیشنهاداتی می‌توان ارائه داد؟

مهاجران و توسعه تجارت

مهاجران از کانال‌های مختلفی به توسعه تجارت کمک کنند. نخستین کانالی که مهاجران به واسطه آن به تسهیل تجارت کمک می‌کنند، کاستن از «هزینه مبادله» است. مهاجران با اطلاعات و دانش ویژه‌ای که بطور همزمان از کشور مبدا و مقصد دارند می‌توانند هزینه تجاری را کاهش دهند و بنابراین تجارت را به‌صرفه‌تر کنند. علاوه بر این جمعیت مهاجر در کشور میزبان بواسطه تقاضای خود برای کالاهای کشور فرستنده مهاجر می‌توانند منجر به توسعه تجارت بین‌الملل گردند. بطور کلی مروری بر پژوهش‌های انجام شده در زمینه نقش مهاجران در توسعه تجارت نشان می‌دهد که مهاجران همواره نقشی مثبت در توسعه تجارت داشته‌اند. میزان تاثیرگذاری مهاجران در توسعه تجارت تابع جمعیت جامعه مهاجر، نوع کالاها، نوع مهاجران و نوع کشور فرستنده مهاجر است. میزان باز بودن اقتصاد، سیاست‌های تجاری، موانع و تعرفه‌ها و جهت‌گیری سیاست‌های مهاجرتی کشور میزبان بستر سیاستی است که میزان نقش‌آفرینی مهاجران در توسعه تجارت را تعیین می‌کند.

مهاجران و انتقال فناوری

همچون تجارت، مهاجران می‌توانند از کانال‌های مختلفی به انتقال دانش و فناوری کمک کنند. در گذشته بسیاری مهاجرت نخبگان را پدیده‌ای مذموم می‌دانستند و به همین دلیل آن را «فرار مغزها» نامیده بودند. با این حال پژوهش‌های جدیدتر نشان دادند که مهاجرت نخبگان نه تنها پدیده‌ای منفی نیست بلکه می‌تواند

مواهب گسترده‌ای برای کشور فرستنده مهاجر به ارمغان بیاورد. از این رو محققان اکنون این پدیده را «چرخش مغزها» می‌نامند. مهاجرت سرمایه انسانی و چرخش مغزها می‌تواند از کانال‌های مختلف برای کشور فرستنده سودمند باشند. شکل‌گیری شبکه دیاسپورایی و ارتباط با کشور مبدأ، کارآفرینی فراملی، تحول در نظام آموزشی، تحول در نظام نوآوری، برنامه‌های دو یا چندجانبه، ابتکارات فراملی و پرداخت‌های انتقالی از مهم‌ترین این کانال‌ها است. باید توجه داشت که این آثار مثبت در بستر سیاستی خاصی که مساعد باشد آشکار می‌گردد. میزان بازبودن کشور فرستنده مهاجر، نبود موانع جابجایی، به رسمیت شناختن تابعیت دوگانه و امکان شکل‌گیری مشاغل فراملی بستری است که به شکوفایی مهاجران و بخصوص دیاسپورای یک کشور در زمینه انتقال دانش و فناوری کمک می‌کند.

مروری بر تجربه کشورهای چین، هند و ترکیه

فصل بعدی این پژوهش به مطالعات موردی و تطبیقی کشورهای چین، هند و ترکیه اختصاص یافته است. دلیل انتخاب هند و چین به عنوان موردهای مطالعاتی جمعیت عظیم دیاسپورایی این کشورها در اقصی نقاط جهان است. همچنین تجربه این کشورها-چنانکه در ادامه خواهد آمد-نشان‌دهنده توفیق این کشورها در بهره‌گیری از دیاسپورای خود در زمینه توسعه تجارت و انتقال دانش و فناوری است. شباهت این کشورها با کشور ما که دیاسپورای بزرگی نسبت به جمعیت خود در خارج از کشور دارد می‌تواند درس‌های سیاستی مفیدی برای سیاست‌گذاران ایرانی جهت تدوین سیاست داشته باشد. دلیل انتخاب ترکیه علاوه بر جمعیت قابل توجه دیاسپورایی آن، میزبانی این کشور از جمعیت حدود سه میلیون نفری پناهندگان سوری در سال‌های اخیر است و از این حیث تجربیات این کشور برای ایران که دهه‌هاست میزبان مهاجران و پناهندگان افغانستانی بوده است می‌تواند سودمند باشد.

در ارتباط با چین به عنوان نخستین مورد مطالعاتی، نخستین موضوعی که جلب نظر می‌کند تمرکز این کشور بر جمعیت گسترده دیاسپورای چینی در حوزه شرق آسیا است. شبکه قوی تجاری این دیاسپورای گسترده منجر به توسعه تجارت چین با کشورهای منطقه شده است. علاوه بر این چین توفیقاتی قابل توجه در جذب سرمایه دیاسپورای چینی به داخل کشور داشته است. برآوردی در انتهای دهه ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که چینی‌های مهاجر حجم دارایی بالغ بر ۲ تریلیون دلار داشته‌اند. در چین، مهاجران چینی به قدری از طریق کانال تجارت اثرگذارند که الگوی توسعه محلی در چین بشدت متأثر از گسترده و وجود یا فقدان ارتباط با مهاجران بوده است. با این حال چین از سرمایه‌گذاری خارجی نیز غافل نبوده و از طریق اعطای مشوق‌هایی چون «اعطای تابعیت» از طریق برنامه «گرین کارت چین» تلاش در جلب نظر سرمایه‌گذاران خارجی داشته است. باید توجه داشت که در دستور کار قرار دادن «سیاست‌های درهای باز» و اصلاحات گسترده اقتصادی در دهه ۱۹۹۰

نقشی ویژه در کامیابی چین در زمینه بهره‌گیری از ظرفیت دیاسپورای خود در زمینه توسعه تجارت داشته است.

در زمینه انتقال دانش و فناوری و استفاده از ظرفیت دیاسپورای چینی و نخبگان خارجی، دولت چین ابتکارات مختلفی را در سطوح مختلف ملی، استانی و منطقه‌ای داشته است. در سال ۲۰۰۶، دولت چین برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدتی جهت جذب استعدادها منتشر نمود که هدف آن بدل کردن چین به «جامعه نوآور» اعلام شد. در سطح ملی می‌توان به برنامه «هزار استعداد» در سال ۲۰۰۶ و برنامه «ده هزار استعداد» در سال ۲۰۱۲ اشاره کرد. همچنین چین جهت رقابتی کردن جذب استعدادها به دولت‌های محلی اجازه طراحی و اجرای برنامه‌های خاص خود در جهت جذب استعدادها داده است. ارائه مشوق‌هایی جذاب (اجازه اقامت، یارانه، اسکان، تامین اجتماعی، ثبت کسب‌وکار، کمک به تحصیل مطلوب فرزندان نخبگان) و تاسیس مناطق و پارک‌های علم و فناوری مهم‌ترین ابتکارات محلی بوده است. پروژه کلان‌داده و پلتفرم مربوط به متخصصان، تسهیل قوانین صدور ویزا، ارایه امکان‌هایی برای دانشجویان بین‌المللی جهت اقامت و راه‌اندازی کسب‌وکار پس از اتمام تحصیل، تاسیس دفاتر صدور ویزا در پارک‌های علم و فناوری، تاسیس پایگاه داده استعدادهای خارج از کشور و طراحی نظام اولویت‌بندی مهاجران سایر اقدامات دولت چین در این راستا بوده است. لازم به ذکر است که دولت چین نقشی ویژه در سیاست‌گذاری مهاجرت و دیاسپورا داشته است و با توجه به مدل توسعه چین در این حوزه نیز الگوی چین را می‌توان «مدل متمرکز و دولت‌محور» نامید.

در ارتباط با هند دولت این کشور با توجه به جمعیت بزرگ دیاسپورایی خود، در زمینه تجارت و مهاجران بیشتر بر دیاسپورای خود متمرکز بوده است. در «مدل هندی» دولت غالباً نقشی تسهیل‌گر در قبال دیاسپورای خود ایفا نموده است و از این نظر در برابر «مدل متمرکز چینی» قرار می‌گیرد. دولت هند ضمن اصلاحات گسترده اقتصادی و تجاری و تسهیل مشارکت دیاسپورا، تلاش داشته است تا نظر دیاسپورای خود را برای تجارت و سرمایه‌گذاری با هند تشویق نماید. تاسیس پنجره واحد خاص جهت جذب و تسهیل سرمایه‌گذاری هندی‌های خارج از کشور، عملیاتی کردن طرح پرداخت‌های انتقالی الکترونیکی برای هندی‌های خارج از کشور، تاسیس «وزارت امور هندی‌های خارج از کشور» و طرح اعطای شهروندی به هندی‌های خارج از کشور از جمله ابتکارات این کشور جهت جذب سرمایه و نیروی انسانی دیاسپورای هندی بوده است.

در زمینه جذب استعدادها و انتقال فناوری، همچون حوزه توسعه تجارت، دولت هند با توجه به جمعیت بزرگ دیاسپورایی خود، بیشتر بر دیاسپورای خود متمرکز بوده است. مدل توسعه صنعت IT و ICT هند نمونه درخشانی در سیاست‌گذاری جذب استعدادهای دیاسپورایی است. دولت هند با نقش تسهیل‌گر خود تأثیری ویژه در شکوفایی این صنایع با اتکا بر دیاسپورا داشت. تحول پارادایمی در سیاست‌های دیاسپورایی و دیدگاه سیاست‌گذاران این کشور نسبت به دیاسپورا، اصلاحات گسترده اقتصادی، و تسهیل کسب‌وکار،

گشودگی روزافزون تجاری این کشور و البته نیروی کار ارزان موجب شد تا نخبه‌های هندی خارج از کشور در این صنایع به انتقال دانش و سرمایه خود به هند ترغیب شوند. کمک به شکل‌گیری شبکه دانش و فناوری دیاسپورایی، تاسیس موسسات آموزشی با مشارکت دیاسپورا و دولت، تاسیس «مرکز ملی آی‌تی» در همکاری با هندی-آمریکایی‌ها و تاسیس «شبکه دانش هندی‌ها» از جمله اقدامات دولت این کشور بود که موجب توسعه صنعت IT و ICT در این کشور شد، بطوری که هند توانست به رهبر این صنایع در جهان بدل شود.

ترکیه در سال‌های اخیر تحولات گسترده سیاستی به‌خصوص در سیاست‌های مهاجرتی تجربه کرده است و دلیل این مساله میزبانی این کشور از جمعیت گسترده مهاجران در سال‌های اخیر بوده است. متعاقب جنگ داخلی سوریه، ترکیه سیاست درهای باز را در قبال پناهندگان سوری بکار بست و در نتیجه این سیاست ترکیه میزبانی بیش از ۳,۵ میلیون پناهنده سوری را به عهده گرفت. سهولت و فضای مساعد کسب‌وکار، غنی بودن بازار داخلی، مجاورت به مقصدهای صادراتی و اصلاحات قانونی از جمله اصلاح قانون مالکیت از جمله دلایلی بوده است که موجب شکوفایی تجاری و اقتصادی مهاجران سوری در این کشور گردید. مهاجرت سوری‌ها به ترکیه تأثیرات مثبتی بر رشد اقتصادی داشته است، چرا که تقاضا برای کالاها را افزایش داده است. علاوه بر این سوری‌ها توانسته‌اند به‌ویژه در مناطق مرزی، صادرات کشور ترکیه را رونق دهند. کارآفرینان سوری حدود ۱۰ هزار شرکت را از سال ۲۰۱۰ تاسیس کرده‌اند؛ سرمایه اولیه سرمایه‌گذاری شده برای تاسیس این شرکت‌ها بالغ بر ۵۲۷ میلیون دلار بوده و به توسعه محلی ترکیه کمک نموده است.

در زمینه دیاسپورای ترکیه‌ای طبق گزارش وزارت امور خارجه ترکیه حدود ۶,۵ میلیون نفر شهروند ترک در خارج از کشور سکونت دارند و بنا به همین واقعیت، سیاست‌های ترکیه در زمینه کارآفرینی، انتقال دانش و فن‌آوری بیشتر متمرکز بر دیاسپورای خود بوده است. باید توجه داشت که نظام سیاست‌گذاری ترکیه که بر مبنای مدل همکاری سه‌بخشی بین دولت، جامعه مدنی و کسب‌وکارها بنا شده است بستر مهمی در امکان نقش‌آفرینی دیاسپورای ترکیه‌ای بوده است. با تکیه بر همین مدل، «شورای علم و فناوری ترکیه (توییتاک)» در سال ۲۰۰۴ توسط دولت موظف شد که «استراتژی ملی علم و فناوری» را در مشارکت با نهادهای عمومی مربوطه، دانشگاه، بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد تدوین کند که نتایج ذیل را بدنبال داشت: تاسیس کارگاه‌هایی با عنوان "ترکیه، مقصد پژوهشی" برای افزایش آگاهی نسبت به مزایا، امکانات و مشوق‌ها؛ اجرای "برنامه تامین مالی کارآفرینانه" توسط وزارت علم، صنعت و فن‌آوری برای کمک به کارآفرینی در پارک‌های علم و فناوری، تاسیس "دفاتر کنسولی علم و فن‌آوری در کشورهای توسعه‌یافته" همچون ایالات متحده، آلمان و ژاپن و مشارکت تقریباً ۲۰ سازمان عمومی، خصوصی و دانشگاه در میزبانی ترکیه در کارگاه‌ها. همچنین انجمن «تاسا» (انجمن دانشمندان و محققان ترکی-آمریکایی) نقش ویژه‌ای در این زمینه ایفا کرده که از ابتکارات آن می‌توان به طرح‌هایی چون «اینورسایت»، «اینوواکنت»، «اینوواتک» و تاسیس موسساتی مشابه، همچون «اینوویز»، «اینووایست (نوآوری استانبول)» و «اینوکارا (نوآوری آنکارا)»، با همکاری دولت ترکیه.

همانطور که قابل مشاهده است در زمینه کامیابی ترکیه در شکوفایی دیاسپورا، بخش خصوصی و نهادهای مدنی در کنار دولت نقشی ویژه ایفا کرده است و بدین جهت می‌توان مدل سیاستی ترکیه را «غیر متمرکز(مختلط)» نام‌گذاری کرد.

در جدول زیر می‌توان نمایی از مطالعه تطبیقی چین، هند و ترکیه را مشاهده نمود:

ترکیه	هند	چین	مدل(الگو)
غیرمتمرکز(مختلط)	تسهیلگر	متمرکز	مدل(الگو)
پذیرش استانداردهای اتحادیه اروپا	سیاست درهای باز و اصلاحات اقتصادی	سیاست درهای باز و اصلاحات اقتصادی	منشا تحول سیاست‌های مهاجرتی
<ul style="list-style-type: none"> • اتخاذ سیاست‌های باز مهاجرتی • ابتکارات دوجانبه دیاسپورای نخبه و دولت ترکیه 	دانش و سرمایه دیاسپورای هندی	روانه شدن سرمایه‌های دیاسپورای چینی	دلیل کامیابی
<ul style="list-style-type: none"> • شکوفایی و کارآفرینی مهاجران سوری • کارآفرینی نوآورانه به کمک دیاسپورا 	رهبری صنعت آی تی و آی سی تی	جذب سرمایه‌گذاری خارجی	زمینه موفقیت
<ul style="list-style-type: none"> • اصلاحات قانونی همچون اصلاح قانون مالکیت • تاسیس دفاتر کنسولی علم و فناوری • طرح‌های متعدد مشارکتی همچون اینوورسایت 	<ul style="list-style-type: none"> • نهادسازی همچون «وزارت امور هندی‌های خارج از کشور» • اعطای نوعی از شهروندی به هندی‌های غیرمقیم 	<ul style="list-style-type: none"> • گرین کارت چین • برنامه هزار استعداد و ده هزار استعداد • نظام طبقه‌بندی مهاجران 	ابتکارات سیاستی

در پایان مطالعات موردی چین، هند و ترکیه نکاتی روشن می‌شود که می‌تواند جهت سیاست‌گذاری مهاجرت و سیاست دیاسپورایی کشورمان مفید واقع شود:

۱- تحول پارادایمی در سیاست‌های مهاجرتی و سیاست دیاسپورایی و کامیابی کشورهای مورد مطالعه در بستری از تحول در سیاست‌های داخلی، گشودگی و اصلاحات اقتصادی، تسهیل کسب‌وکار، تحول در سیاست خارجی، تحول در نظام حقوقی، تغییر در ذهنیت و نگاه سیاست‌گذاران رخ داده است و به نظر می‌رسد برای جهش در نقش‌آفرینی مهاجران و دیاسپورا این تحولات ضرورت داشته باشد.

۲- برنامه‌هایی که در سطوح مختلف ملی، استانی و محلی در این کشورها و با مشارکت بخش خصوصی و جامعه مدنی اجرا شده است نشان می‌دهد که هر سیاستی در این حوزه‌ها باید سطوحی از عدم تمرکز و همکاری با بخش‌های غیردولتی را مد نظر داشته باشد.

۳- شبکه‌های دانش دیاسپورایی و انجمن‌ها نقشی ویژه در موفقیت این کشورها در زمینه توسعه همکاری‌های فناورانه با دیاسپورا داشته است. بنابراین استفاده از ظرفیت این نهادها و شناسایی و گسترش همکاری‌ها یکی از محورهای اساسی سیاست موفق دیاسپورایی است.

۴- کشورهای مورد مطالعه برنامه‌ها و طرح‌هایی ویژه جهت تقویت حس تعلق جامعه دیاسپورایی و همکاری با کشور داشته‌اند. برنامه‌های علمی و فرهنگی و اعطای شهروندی از جمله اقدامات این کشورها بوده است و بنابراین چنین طرح‌هایی باید بخشی لاینفک از سیاست دیاسپورایی باشد.

۵- ابتکارات دو یا چندجانبه، کارآفرینی فراملی و استراتژی برون‌سپاری از جمله ابتکاراتی است که می‌تواند هم‌زمان در زمینه فناوری و اقتصادی مفید واقع شود.

۶- سیاست‌های کشورهای مورد مطالعه از یک سو بر جذب فیزیکی استعدادها و بازگشت دیاسپورای نخبه‌تمرکز داشته و از سوی دیگر بر ارتباط‌گیری بدون تاکید بر بازگشت، تکیه داشته‌اند. بنابراین با گسترش ابزارهای ارتباطی، یک سیاست موفق مهاجرتی و دیاسپورایی باید هر دو هدف را دنبال کند.

۷- محیط داخلی برای جذب استعدادها نیازمند جذابیت است و به همین دلیل کشورها با ارایه مشوق‌ها، امتیازات و ارایه امکانات تلاش دارند تا کشور خود را به مقصدی جذاب برای نخبگان خارجی بدل کنند.

با در نظر داشتن تجربیات کشورهای مورد مطالعه در بهره‌گیری از ظرفیت مهاجران داخل کشور و جوامع دیاسپورایی در زمینه توسعه تجارت و انتقال فناوری، این پژوهش بخش بعدی را به مصاحبه با سیاست‌گذاران، کارگزاران دولتی، فعالین بخش خصوصی داخل و خارج از کشور و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها اختصاص داده است تا بتواند بدین سوال محوری که موانع و مشکلات فعال شدن ظرفیت مهاجران داخلی در توسعه تجارت و انتقال فناوری کدامند پاسخ دهد. استخراج این موانع و مشکلات به ما کمک می‌کند تا با در نظر داشتن تجربه‌های سایر کشورها بتوانیم پیشنهاداتی سیاستی در زمینه‌های مورد مطالعه ارایه دهیم.

موانع و مشکلات نقش‌آفرینی مهاجران در توسعه تجارت و انتقال فناوری

در تحلیل و دسته‌بندی مضامین استخراج شده از مصاحبه‌ها در ارتباط با موانع و مشکلات، تعدادی از مضامین مربوط به «موانع و مشکلات زمینه‌ای» می‌گردند. این دسته از موانع و مشکلات، در واقع موانعی هستند که اختصاص به مهاجران داخل کشور و یا ایرانیان خارج از کشور نداشته و بصورت زمینه‌ای و در سطحی کلان مانع از نقش‌آفرینی موثر مهاجران می‌شوند. مضامین پرتعداد مربوط به موانع و مشکلات زمینه‌ای عبارتند از:

موانع و مشکلات زمینه‌ای توسعه تجارت	
ضعف بخش خصوصی در تجارت	۱
تحریم	۲
سیاست‌های اقتصاد کلان	۳
فضای نامساعد کسب و کار	۴
موانع و مشکلات زمینه‌ای انتقال فناوری	
فقدان بستر مناسب و ظرفیت لازم جذب فناوری	۱
تحریم	۲
فضای نامساعد اقتصادی و سیاسی داخلی	۳
موانع بروکراتیک	۴

علاوه بر موانع و مشکلات زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان به موانع و مشکلاتی اختصاصی مرتبط با فعال شدن ظرفیت مهاجران داخل کشور و همکاری با آن‌ها اشاره داشتند که مضامین پرتعداد آن عبارتند از:

موانع همکاری با مهاجران داخل کشور در زمینه توسعه تجارت	
ممنوعیت قانونی (تبعیض علیه مهاجران)	۱
فرهنگ بیگانه‌هراسی و بیگانه‌ستیزی ایرانیان	۲
فقدان سیاست و برنامه مشخص در قبال مهاجران داخلی	۳
به رسمیت نشناختن لابی‌ها	۴
موانع همکاری با مهاجران داخل کشور در زمینه انتقال فناوری	
ممنوعیت قانونی (تبعیض علیه مهاجران)	۱
فرهنگ بیگانه‌هراسی و بیگانه‌ستیزی ایرانیان	۲
فقدان سیاست و برنامه مشخص در قبال مهاجران داخلی	۳
عدم درک مناسب از نحوه تعامل با نخبگان خارجی	۴

مصاحبه‌شوندگان متناسب با سوالات و محورهای پژوهش به مضامینی مرتبط با موانع و مشکلات مرتبط با استفاده از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور اشاره داشته‌اند که مضامین پرتعداد آن به ترتیب عبارتند از:

موانع همکاری با ایرانیان خارج از کشور در زمینه توسعه تجارت	
۱	عدم پذیرش دوتابعیتی
۲	روشن نبودن سیاست کلان کشور در قبال ایرانیان خارج از کشور (فقدان سیاست دیاسپورایی)
۳	مساله خدمت نظام وظیفه
۴	بی‌اعتمادی ایرانیان خارج از کشور به طرح‌های دولتی
موانع همکاری با ایرانیان خارج از کشور در زمینه انتقال فناوری	
۱	عدم طراحی صحیح برنامه‌ها
۲	عدم پذیرش دوتابعیتی
۳	روشن نبودن سیاست کلان کشور در قبال ایرانیان خارج از کشور (فقدان سیاست دیاسپورایی)
۴	حس رقابت منفی در بخش دولتی نسبت به ایرانیان خارج از کشور

پیشنهادات سیاستی

با توجه به موانع و مشکلات شناسایی شده در مصاحبه‌ها و همچنین تجربه کشورهای مورد بررسی پیشنهاداتی بر اساس امکان رسیدگی در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به شرح زیر ارائه می‌گردد.

۱) موانع قابل رسیدگی در کوتاه‌مدت

-**تفاوت در فرهنگ تجاری و کاری** یکی از مسائلی است که به عقیده مصاحبه‌شوندگان به‌خصوص در زمینه توسعه تجارت و تجاری کردن کالاهای فناورانه به مانعی برای بهره‌گیری از ظرفیت مهاجران بدل گشته است. این مانع به‌خصوص در مذاکره و عقد قراردادهای و بعضاً در اولین مراحل همکاری با طرف خارجی مشکل‌ساز می‌شود. پیشنهاد سیاستی در این زمینه مشارکت فعال نهادهای مربوطه و تسهیل‌گر همچون مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت، وزارت خارجه (سفارتخانه‌ها) و سازمان توسعه تجارت است. سازمانهای مذکور می‌توانند با توجه به طرف خارجی در هر مورد و البته زمینه مربوطه (انتقال فناوری یا توسعه تجارت) در مرحله اولیه و پایلوت بسته‌های مشاوره‌ای در ابعاد مختلف قانونی، عرفی، فرهنگی و... متناسب با هر کشور یا ملیت ارائه داده و در ادامه با پیشبرد کار متناسب با هر مورد، خدماتی مشاوره‌ای ارائه نماید. باید توجه داشت که لازمه چنین مشارکت فعالی، طراحی یک مکانیزم شناسایی است. نهادهای درگیر با بهره‌گیری از مکانیزم مذکور قادر خواهند شد که موردهای نیازمند مشاوره یا کمک را شناسایی نموده و خدمات ارائه شده توسط خود را اطلاع‌رسانی نماید. همچنین به‌نظر می‌رسد که نهادهای دولتی درگیر از طریق یک صندوق

یا کارگزاری واسط نیازمند یک مکانیزم انگیزشی برای ارایه خدماتند. بنابراین ارایه این خدمت در ادامه فرآیند و شناسایی به‌عنوان یک عامل تسهیل‌کننده فرآیند تجارت و انتقال فناوری می‌تواند با سهیم شدن ارایه‌دهنده آن در سود و زیان (البته با مقادیری که برای مراجعه‌کنندگان جذاب باشد) همراه گردد.

- مانع دیگری که بنظر می‌رسد در کوتاه مدت قابل رسیدگی باشد "عدم درک مناسب از نحوه تعامل با نخبگان خارجی" است. مشکل اصلی برآمده از عدم آگاهی نهادها و افراد از درجه اهمیت نخبگان خارجی بازمی‌گردد. رسیدگی به این مانع می‌تواند از اولویت‌های سیاست‌گذار باشد. نخستین گام برای رفع چنین مشکلی شناسایی همه نهادهای درگیر در ارتباط با نخبگان خارجی است که به نحوی نخبه خارجی با آنها تعامل دارد. شناسایی این نقاط برخورد می‌تواند به نوبه خود به شناسایی گلوگاه‌هایی کمک کند که بیشترین نارضایتی را برای نخبگان خارجی ایجاد می‌کنند. با شناسایی این نقاط، می‌توان دست به تدوین سیاستی ویژه جهت بهبود تعامل با نخبگان خارجی زد که به‌طور خاص نیز این دسته از افراد را از سایر مهاجرین متمایز نموده و از سوی دیگر فرد نخبه خارجی را نیز با تسهیل امور در رویه‌های خود مواجه نماید. این سیاست شامل مکانیزم‌هایی برای برقراری ارتباط فعال با این نخبگان مهاجر است. از سویی برقرار ارتباط و نظرخواهی از این نخبگان خود می‌تواند بخشی از این سیاست باشد که بطور مداوم رویه‌های تعامل را اصلاح می‌نماید و از سوی دیگر نیز موجب اعتمادسازی خواهد شد. این ارتباط حتی می‌تواند در مراحل نخست صرفاً شامل نظرخواهی دقیق از این نخبگان در ارتباط با تجربه خود از تعاملاتش باشد. همچنین چنین سیاستی باید انگیزه‌ها را نیز در نظر داشته باشد تا بتواند به ترغیب نهادها و افراد در بهبود تعاملات کمک کند. پیشنهاد می‌گردد آموزش کارمندان دولت در جهت بهبود نحوه تعامل آنان با مهاجران داخل ایران به خصوص نخبگان در دستور کار قرار گیرد و به مدیرانی که در پایش‌های ماهانه گردش امور مربوط به این افراد را تسریع کرده‌اند پاداش تعلق گیرد.

یک ایده اجرایی که البته نیاز به بررسی بیشتری دارد، این است که یک سایت چندزبانه به‌عنوان مرجع تعاملات اداری مهاجران خارجی و نخبگان ایرانی بازگشته از خارج، ایجاد شود. در این سایت، کلیه نیازهای دو گروه فوق در طبقه‌بندی‌های مختلف (امور اداری مانند تمدید مدارک اقامتی، کارهای شخصی مانند ثبت ازدواج و شناسنامه فرزند و ...، امور مربوط به کسب‌وکار مانند صدور مجوز، مفاصا حساب مالیاتی و ...) با ذکر جزئیات تشریح شود و تمامی فرایندها همراه با زمان و هزینه مورد نظر ارائه شود. در واقع، این سایت تبدیل به یک پنجره واحد یکپارچه برای مخاطبان خود گردد. در کنار آن، خدماتی مانند مشاوره حقوقی یا وکالت نیز قابل ارائه می‌باشد. این سایت که تسهیل‌گر خدمات مختلف است، می‌تواند کمک شایانی به زیست این افراد در ایران نماید. همچنین این سایت، می‌تواند در سایت‌های سفارت ایران در کشورهای مختلف، درگاه داشته باشد و از این طریق، راهنمای مراجعان باشد.

- یک پیشنهاد دیگر این است که با محوریت سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران و با همکاری وزارت خارجه، یک پروژه ارزیابی از طرح «اعطای اقامت در ازای سرمایه‌گذاری خارجی» اجرا شود و این تجربه به دقت بررسی گردد. میزان موفقیت یا شکست این طرح، عوامل موثر بر آن و میزان رضایت یا عدم رضایت سرمایه‌گذاران از خروجی‌های این پژوهش خواهد بود که می‌توان بر اساس آن پیشنهاد اصلاحی را به هیات دولت ارائه نمود.

- یکی از موانع قابل رفع در کوتاه‌مدت "عدم اطلاع‌رسانی مناسب تسهیلات اعطایی توسط دولت ایران" است. این مانع در کنار ضعف دیپلماسی عمومی و اقتصادی وزارت امور خارجه و غلبه ایران‌هراسی در رسانه‌های خارجی قابل فهم است. شاهد این مدعا این است که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان مهاجر بر عدم آگاهی دوستان و آشنایان خود در کشورهای همجوار در مورد امتیازات و تسهیلات اقامتی که در چند سال اخیر برای سرمایه‌گذاران و نخبگان طراحی شده است تاکید می‌کردند.

چنانکه در فصل ادبیات پژوهش شرح داده شد، جذابیت محیط داخلی یکی از عوامل اصلی جذب مهاجران نخبه است. در همین راستا نیز تسهیلات اعطایی چه در زمینه جذب کارآفرینان و چه نخبگان علمی می‌تواند ابزاری برای همین جذابیت داخلی باشد. پیشنهاد می‌گردد برای رفع این مانع، نهادهای متولی مانند مرکز تعاملات علم و فناوری و سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران، اقلام تبلیغی برای رسانه‌های کشورهای همسایه و کشورهای مسلمان جهت اطلاع‌رسانی امتیازاتی که ایران در حوزه‌های مختلف به افراد خارجی ارائه می‌دهد مانند طرح اقامت ویژه نخبگان یا ویزای سرمایه‌گذاری تهیه گردد و به طور مستمر اطلاع‌رسانی گردد. این کمپین تبلیغاتی به صورت غیرمستقیم در تلطیف فضای ایران‌هراسی رسانه‌های خارجی موثر خواهد بود. همچنین می‌توان پیشنهاد داد یک بخش خصوصی به صورت کارگزاری با مرکز تعاملات همکاری کند و مخاطبان در کشورهای مختلف را مشاوره دهد، اطلاعات و جزئیات این طرح‌ها را ارسال نماید و به صورت فعال مخاطبان این طرح‌ها را پیگیری نماید.

- با توجه به اینکه "حس رقابت منفی بخش دولتی نسبت به ایرانیان خارج از کشور" در مصاحبه‌ها به کرات تکرار گردیده است و تعارض منافع اساتید دانشگاه با نخبگان بازگشته از خارج از اولویت برخوردار بوده است به نظر طراحی برنامه‌ای ترویجی برای تسهیل پذیرش این نخبگان در دانشگاه‌ها و در مواجهه با دستگاه‌ها دارای اولویت است. در این راستا می‌توان مکانیسم‌هایی انگیزشی در این طرح، اجرا کرد که به همکاری‌های موفق بین اساتید دانشگاه با نخبگان بازگشته از خارج، گرنت‌های ویژه اعطا نماید. همین رویه را می‌توان به آیین‌نامه‌های ارتقاء اساتید در دانشگاه‌ها و طراحی شاخص‌های مرتبط تعمیم داد و در سطح شورای عالی انقلاب فرهنگی، تغییر سیاستی داد.

- مساله "خدمت نظام وظیفه" یکی از موانع عمده جهت همکاری ایرانیان خارج از کشور و رفت و آمد سهل آنان است. پیشنهاد می‌گردد با توجه به ظرفیت ایرانیان خارج از کشور برای توسعه آوت سورسینگ و همچنین ظرفیت دانشجویان ایرانی خارج از کشور جهت بازاریابی محصولات ایرانی و برقراری ارتباط با شرکت‌ها و کشورها در جامعه مقصد، این ظرفیت‌ها با موضوع خدمت نظام وظیفه گره بخورد. همچنین با توجه به تجربه مثبتی که در مورد طرح‌های سربازی تخصصی برای نخبگان بازگشته به کشور با ستاد کل نیروهای مسلح اجرایی گردیده است این بار با محوریت سازمان توسعه تجارت برای کسانی که بیش از ده سال در خارج از کشور اقامت داشته‌اند، معافیت از خدمت نظام وظیفه آنان را به همکاری‌های تجاری با ایران به صورت میزان مشخصی صادرات کالا یا خدمات منوط کرد.

۲) موانع قابل رسیدگی در میان مدت

- در ارتباط با مشکل «فقدان نهاد هدایت‌کننده موضوع مهاجرت مبتنی بر نگاه علمی» باید به این نکته اشاره کرد که طبق مطالعات موردی، نهادسازی یکی از پایه‌های سیاست‌گذاری موفق مهاجرتی است. نمونه خوب این مورد را می‌توان در کیس هند مشاهده کرد.

همچنین با توجه به انتقاداتی که به شورای عالی ایرانیان خارج از کشور به عنوان درگاه ارتباطی رسمی کشور با مهاجران ایرانی در سایر کشورها در مورد نحوه سیاست‌گذاری و مدیریت بهره‌مندی از توان این افراد وجود دارد و همچنین در جریان بودن لایحه سازمان ملی مهاجرت که از سمت دولت به مجلس ارایه شده است می‌توان با مداخله در فرآیند تصویب این لایحه مشکل "فقدان نهاد هدایت‌کننده موضوع مهاجرت مبتنی بر نگاه علمی" را حل و فصل کرد و چنین جایابی‌ای را در کارکردهای آن سازمان انجام داد. این مداخله می‌تواند مبتنی بر ادغام شورای عالی ایرانیان خارج از کشور و اداره اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور در یک سازمان واحد باشد که به طور مثال مانند اداره مهاجرت آلمان (بامف) دارای بخش‌های مطالعاتی و رسانه‌ای بوده و دائماً سیاست‌ها مهاجرتی و مسایل مهاجران را رصد و پایش کرده و موارد لازم را به آنان اطلاع‌رسانی کنند. برای عمق‌بخشی به محتوای موجود، می‌توان گزارش سیاستی با موضوع مطالعه تطبیقی نهادی در این حوزه انجام داد.

- "فقدان بستر مناسب و ظرفیت لازم جذب فناوری" پر تکرارترین مانع انتقال فناوری به واسطه مهاجران شناسایی شده است. مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد که فقدان بستر مناسب و ظرفیت لازم جذب فناوری در سه شکل خود را نمایان می‌سازد که عبارتند از: عدم وجود نهاد حرفه‌ای مستقل جهت انتقال فناوری در حوزه‌های تخصصی، ضعف نظام تامین مالی طرح‌های فناورانه و فقدان وجود نهادهای واسطه ارایه‌دهنده

خدمات مالی و اداری به فناوران خارجی و ایرانیان خارج از کشور. در سطحی کلان‌تر و بلندمدت‌تر «فقدان بستر مناسب و ظرفیت لازم جذب فناوری» به نظام و مدل تصمیم‌سازی سیاستی و سیاست‌گذاری علم و فناوری و کسب‌وکارهای مرتبط به آن بازمی‌گردد. از این نظر همانطور که در فصل مطالعات تطبیقی مورد اشاره قرار گرفت، مدل ترکیه بسیار جالب و قابل توجه است. در سطح سیاستی چنین مدلی می‌تواند در بلندمدت الگویی مطلوب برای کشورمان باشد و بار انتقال فناوری را از دوش دولت به مکانیسم‌ها و روابط موجود بین کسب‌وکارها و جامعه مدنی منتقل نماید که هزینه به مراتب پایین‌تری دارد. در گام اول پیشنهاد می‌گردد با توجه به اولویت‌های کشور شرکت‌هایی خصوصی که مورد تایید نهادهای حاکمیتی هستند در حوزه‌های تخصصی تشکیل شده و به صورت حرفه‌ای فرآیند انتقال فناوری از خارج به داخل را راهبری کنند به گونه‌ای که فناور با کمترین مخاطره در مواجهه با نظام اداری کشور و شرکت‌ها یا کارخانجات همکار روبرو شود.

- یکی از موانع سیاستی جدی چه در ارتباط با مهاجرین داخل کشور و چه در ارتباط با ایرانیان خارج از کشور بهره‌گیری از این افراد را با مانع ایجاد کرده است، "ضعف داده" است. "پروژه کلان‌داده متخصصان" و پلتفرم داده متخصصان که در بخش مطالعه تطبیقی چین مورد اشاره قرار گرفته است علاوه بر ذخیره داده‌ها، به مرتبط کردن متخصصان و کارآفرینان نیز کمک نموده است و می‌تواند به عنوان الگویی برای پایگاه داده و پلتفرم مشابه در ایران مورد مطالعه قرار گیرد.

- "مساله مالکیت معنوی" و یا "محدودیت در فروش محصولات منتج از انتقال یک فناوری در خارج از کشور به علت مالکیت معنوی فناوری" یکی از موانع اصلی و جدی مورد اشاره مصاحبه‌شوندگان در ارتباط با تجاری‌سازی کالاهای فناورانه بوده است. یک راه پیشنهادی برای غلبه بر این مشکل، الگویی است که چینی‌ها از آن بهره می‌برند. این مسیر بدین صورت است که صاحبان فناوری فاقد مالکیت معنوی، با تاسیس شرکت‌های دانش‌بنیان و کسب‌وکارهای خود، کالاهای فناورانه خود را مجدداً در کشورهای اروپایی و آمریکایی تولید کرده و سود حاصل و فروش و صادرات خود را از این مسیر بدست می‌آورند. با این حال در دستور کار قرار دادن این الگو نیازمند مطالعه دقیق و سپس معرفی این مسیر تجاری‌سازی کالاهای فناورانه به صاحبان کالاهای فناورانه در ایران است.

- "بی‌اعتمادی عمومی ایرانیان خارج از کشور نسبت به طرح‌های دولتی" یکی از مشکلات جدی همکاری با ایرانیان خارج از کشور است. توصیه می‌گردد جهت رفع این معضل معاونت علمی و فناوری به ظرفیت انجمن‌های علمی و تخصصی ایرانیان در خارج از کشور به عنوان درگاه ارتباط‌گیری غیررسمی با نخبگان ایرانی حاضر در خارج از کشور در قالب برنامه‌ای مجزا و تخصصی توجه ویژه‌ای نماید تا پس از آن به

تدریج زمینه برای شکل‌دهی رسمی «شبکه تبادل کار و فناوری» بین داخل و خارج از کشور در این قالب مهیا گردد.

- بر اساس ادبیات پژوهش مهاجران می‌توانند به‌خوبی نقش لابی‌گر را در قراردادهای تجاری با طرف‌های خارجی را ایفا نمایند. با این حال همه مهاجران نمی‌توانند گزینه مناسبی برای این امر باشند و بهره‌گیری از این ظرفیت نیازمند طراحی مکانیزمی برای شناسایی توانمندی کاندیداهای بالقوه این نقش است. طبق مصاحبه‌های صورت گرفته "به رسمیت نشناختن لابی‌ها" یکی از موارد پر تکرار در مصاحبه‌های مربوط به حوزه تجارت و مهاجران داخل ایران می‌باشد. در این رابطه، پیشنهاد می‌شود رویه‌ای برای به رسمیت شناختن این ظرفیت‌های غیررسمی تدوین شود.

- همانگونه که در مورد نخبگان خارجی چارچوب جدیدی برای اعطای قامت تعریف گردیده و هم‌اکنون در حال اجرا است می‌توان برنامه‌ای را جهت تسهیل رفت و آمد شیعیان و پارسی زبانان جهان به ایران نیز به کار گرفت. با توجه به ظرفیت‌های قابل توجه این افراد می‌توان نظام اخذ روادید و اقامت ویژه‌ای برای آنان تعریف کرد. به‌طور مثال می‌توان برای دریافت ویزای سرمایه‌گذاری توسط این افراد سپرده سرمایه کمتری را در نظر گرفت. علاوه بر این با رایزنی با شورای عالی امنیت ملی در صورتی که این افراد خدمات ویژه‌ای به ایران ارائه کردند می‌توان مسیر شفافی برای اخذ اقامت دائم و تابعیت ایران برای آنان تعریف کرد. باید توجه داشت این افراد کمترین تعارض فرهنگی و اجتماعی را با ایرانیان دارند و می‌توان از آنان به عنوان ذخیره جمعیتی ایران نام برد. پیشنهادی که مطرح است، طراحی ویزاهای متعدد و تنوع‌بخشی به آن است به‌طوری‌که با شناخت کشورهای هدف و ظرفیت‌های اقتصادی و فناوری آن، چارچوب اقامتی متناسب با آن تعریف و اجرا شود. همچنین یکی از مشکلات وضعیت موجود، یکپارچه نبودن رویه‌های جاری است. رویه‌هایی که هرکدام به تنهایی ظرفیت‌های خود را دارند (جامعه المصطفی، ویزای نوآوری پارک پردیس، اقامت ویژه و ...) اما بعنوان یک بسته اقامتی در ایران، به مخاطبان اطلاع‌رسانی نمی‌شود.

۳) موانع قابل رسیدگی در بلندمدت:

باید توجه داشت که تحقق ظرفیت‌های مهاجران نهایتاً در گرو تدوین سیاست‌های کلانی است که جایگاه این افراد در رشد و توسعه کشور را مشخص می‌سازد لذا تدوین سه سیاست ذیل در افق ۵ سال آینده برای کشور ضروری می‌باشد.

- **تدوین استراتژی توسعه صنعتی ایران** که در پرتو آن اولویت‌های علم و فناوری، استراتژی تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی تا حدودی روشن می‌گردد. هم‌اکنون به صورت جدی به علت روشن نبودن موارد فوق همکاری‌های صورت گرفته با مهاجران کاملاً تصادفی و بدون چشم‌انداز می‌باشد.

- تدوین سیاست کلان کشور در قبال ایرانیان خارج از کشور (سیاست دیاسپورایی)

طبق ادبیات پژوهش جهت‌گیری سیاست‌های مهاجرتی فاکتوری تعیین‌کننده در بهره‌گیری از ظرفیت مهاجران است. بخشی قابل‌توجه از این سیاست‌ها نیز به سیاست‌های دیاسپورایی اختصاص دارد. در هر سه مورد مطالعاتی این پژوهش کشورها زمانی توانستند از ظرفیت عظیم دیاسپورایی خود استفاده نمایند که با تغییر رویکرد سیاست‌گذار نسبت به نقش و اهمیت دیاسپورا، سیاست‌های دیاسپورایی نیز تدوین گردید. این سیاست‌ها علاوه بر این که توانستند اولویت‌های نظام سیاسی را در بهره‌گیری از دیاسپورا روشن نمایند، چراغ سبزی هم برای دیاسپورای کشورها بود.

همچنین طبق مصاحبه‌های صورت گرفته علت اصلی ناکامی در جلب مشارکت ایرانیان خارج از کشور مدون نبودن سیاست‌ها و مشخص نبودن موضع نظام سیاسی نسبت به این افراد بوده است. به همین ترتیب می‌توان نتیجه فقدان سیاست دیاسپورایی در کشور را سردرگمی همزمان نظام سیاسی و همچنین ایرانیان خارج از کشور دانست. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد تا با آغاز تدوین سیاست‌های کشور در قبال دیاسپورای ایرانی، رفته رفته تلاش‌های مدونی شکل گرفته تا جایگاه دیاسپورای ایرانی نیز مشخص گردد. با توجه مسائل ذکر شده پیشنهاد می‌گردد در تدوین این سیاست موارد زیر مدنظر قرار گیرد:

- ✓ مساله دو تابعیتی بودن
- ✓ نسل دوم، سوم و چهارم ایرانیان خارج از کشور و بحث انقطاع هویتی
- ✓ جایابی ایرانیان خارج از کشور در تحقق اهداف استراتژی توسعه صنعتی و تجاری ایران

- تدوین سیاست کلان کشور در قبال مهاجران داخلی

با توجه به تجربه کشورهای مورد مطالعه و مصاحبه‌های صورت گرفته و همچنین مطالعه قوانین مهاجرتی به نظر می‌رسد در تدوین این سیاست موارد زیر باید مدنظر باشند:

- ✓ رفع موانع قانونی ادغام اقتصادی و اجتماعی مهاجران در جامعه ایران
- ✓ موضوع اعطای تابعیت ایرانی نسل دوم و سوم مهاجران حاضر در ایران
- ✓ چگونگی جذب مهاجران نخبه کشورهای همسایه و کشورهای مسلمان در دو دهه آینده
- ✓ چگونگی جذب ایران دوستان نخبه در دو دهه آینده
- ✓ چگونگی جذب سرمایه مالی و ذهنی شیعیان جهان در دو دهه آینده

- ✓ چگونگی مواجهه با بحران سالمندی جمعیت و کمبود نیروی کار و رفع آن با پذیرش مهاجر از سایر کشورها در دو دهه آینده
- ✓ جایابی مهاجران در تحقق اهداف استراتژی توسعه صنعتی و تجاری ایران.